

بابک احمدی

آواز زمیں

ہشت جستار در تاریخ موسیقی

www.saharipublishers.com



نشر مرکز

پیش‌گفتار ۹

روح مطلق ۱۳

مس در سی مینور اثر یوهان زیباستین باخ

جادوی زندگی ۳۷

آثار یوهان زیباستین باخ برای تکنوازی سازهای زهی

دوران قهرمانی ۶۹

سمفونی شماره ۳/اروئیکا اثر لودویگ وان بتهوون

نگاه آخر ۹۵

واپسین کوارتت‌های زهی لودویگ وان بتهوون

مرگ عاشقانه ۱۳۷

اپرای تریستان و ایزولده اثر ریشارد واگنر

یادِ رفتگان ۱۹۷

یک رکویم آلمانی اثر یوهانس برامس

بازگشت ابدی ۲۲۹

سمفونی شماره ۲ اثر گوستاف مالر

مرگ و خاطره ۲۷۱

کنسرتوی به یاد یک فرشته برای ویولون و ارکستر اثر آلبان برگ

نمایه ۳۱۳

پیش‌گفتار

در این کتاب هشت جستار آمده است. شش جستار هر کدام درباره‌ی یک شاهکار تاریخ موسیقی است، مس در سی مینور اثر باخ، سمفونی شماره‌ی ۳/اروئیکا اثر بتهوون، اپرای ترستان و ایزولده اثر واگنر، یک رکویم آلمانی اثر برامس، سمفونی شماره‌ی ۲ اثر مالر و کنسرتو برای ویولون و ارکستر به یاد یک فرشته اثر برگ. دو جستار هم درباره‌ی رشته‌ای از آثار موسیقی‌اند که با هم نزدیکی دارند، یکی آثار باخ برای تک‌نوازی سازهای ویولون و ویولونسل و دیگری واپسین کوارتت‌های زهی بتهوون. این آثار برخی از عزیزترین آثار موسیقایی هستند که به زندگی‌ام معنا داده‌اند و لذت‌بخش‌ترین لحظه‌های عمرم را ساخته‌اند. من از نظریه‌ی موسیقی و فنون آهنگ‌سازی و نوازندگی بی‌خبرم. این‌جا با ادعای تخصص و کارشناسی چیزی ننوشته‌ام و این جستارها بر زمینه‌ی تاریخ موسیقی جای می‌گیرند. امیدوارم به چنین پرسش‌هایی پاسخ دهند: چرا این آثار ساخته شدند؟ بر زمینه‌ی کدام سنت موسیقایی، هنری و فلسفی ساخته شدند؟ نسبت‌شان با زندگی و دیگر آثار آهنگ‌سازانی که چنین شاهکارهایی ساختند چه بود؟ نوآوری‌های‌شان کدام است؟ چه تأثیری بر آهنگ‌سازان بعدی داشتند؟

این آثار از سال‌های بسیار دور برایم عزیزترین آثار هنری بودند و طبیعی است که درباره‌شان زیاد خوانده‌ام و از نکته‌های مهم و جذابی باخبر شده‌ام. حالا می‌خواهم این دانسته‌ها را در اختیار دیگران بگذارم. کاش سواد بیش‌تری در نظریه‌ی موسیقی داشتم. در آن صورت یقیناً بهتر می‌توانستم از جنبه‌های تازه و نوآوری‌های این آثار بنویسم. این را از باب تظاهر به فروتنی نگفتم. از ته دل راست می‌گویم، کاش بیش‌تر می‌دانستم.

هدفام ساده و روشن است. می‌خواهم خواننده را مشتاق به شنیدن و دوباره شنیدن این آثار کنم. هرگز نخواهم دانست که آن‌ها از شنیدن این آثار چه احساس و برداشتی خواهند داشت. گمان می‌کنم آن‌ها هم از مطالب این کتاب به احساس معنوی من پی نخواهند برد، اما شاید کسانی با خواندن این کتاب مشتاق شناخت این آثار شوند و از راهی مرموز و ناگفتنی در لذتی معنوی با من شریک شوند. شاید.

هشت جستار این کتاب در فاصله‌ی کوتاهی نوشته شده‌اند. جستار «روح مطلق» در اول اسفند ۱۳۹۵ آغاز شد و جستار «مرگ و خاطره» در اول تیر ۱۳۹۶ پایان گرفت. چهار ماه که با شنیدن موسیقی و نوشتن درباره‌ی آن گذشت. روزهای عشق و سرسپردگی که جرقه‌ی نخست آن شوق نوشتن درباره‌ی موسیقی آلبان برگ بود و آخرین جستاری که نوشته شد درباره‌ی او بود و کنسرتو برای ویولون و ارکستر او.

نوشتن درباره‌ی موسیقی کار دشواری است. نویسنده باید مراقب باشد که به دام تشبیه‌های مضحک نیفتد، مثلاً نویسد آداجوی کنسرتو برای پیانو و ارکستر شماره‌ی ۲۳ موتسارت مثل قدم زدن در جنگل در طراوت سپیده‌دم است. این که بسیاری گرفتار چنین شیوه‌ی بیانی می‌شوند دلیل دارد، نویسنده از هیچ طریقی نمی‌تواند احساسی را که از شنیدن قطعه‌ای موسیقی در ذهن‌اش بیدار شده است، توضیح دهد.

بسیاری از شاهکارهای تاریخ موسیقی که در قلمرو موسیقی سازی (یا موسیقی ناب) ساخته شده‌اند معنا ندارند و در نتیجه نمی‌شود درباره‌شان داد سخن داد. در بهترین حالت کار به نوشتن راهنماهای بیش‌وکم ساده‌شده‌ی فنی، تاریخ‌نگاری یا نوشتن زندگی‌نامه‌ها کاهش می‌یابد. در این حالت، دل‌نویسنده راضی نیست چون پیش از هر چیز می‌خواسته از احساس‌اش به دیگری چیزی بگوید. این از جمله مواردی است که زبان کم می‌آورد.

در این کتاب کوتاه‌نوشت‌هایی چون ب.و.و.؛ ک.؛ د. و آ.ب.ا. آمده‌اند که باید در موردشان توضیح بدهم:

از اواخر سده‌ی هجدهم آثار آهنگ‌سازان را یا خود آن‌ها یا دیگران شماره‌گذاری کردند. معمولاً آن‌ها را با واژه‌ی لاتین *opus* به معنای «اثر» و تا حدودی بنا به ترتیب گاهنامه‌ای (تاریخ ساخته شدن آثار) مشخص کرده‌اند، هرچند در بسیاری از موارد این نظم و ترتیب تاریخی دقیق نیست. این اشتباه بزرگی است که تصور کنیم تریو برای پیانو، ویولون و ویولونسل اپوس ۸ برامس هشتمین اثری است که او ساخته است. در این کتاب واژه‌ی اپوس آمده است، مثل سمفونی شماره‌ی ۹ اپوس ۱۲۵ بتهوون.

جدا از رعایت نظام شماره‌بندی آثار بر اساس اپوس، شکل‌های دیگری در مورد برخی از آهنگ‌سازان رایج است که در این کتاب به صورت کوتاه‌نوشت‌های فارسی در برابر کوتاه‌نوشت‌های لاتین آمده‌اند. در مورد آثار یوهان زیباستین باخ معمولاً از کوتاه‌نوشت BWV استفاده می‌شود. این حروف اختصاری از عبارت *Bach-Werke-Verzeichnis* یعنی «کاتالوگ آثار باخ» آمده است. ولفگانگ اشמידر در ۱۹۵۰ این نظام دسته‌بندی را بر اساس قالب‌های آثار باخ تنظیم کرد. در این کتاب به صورت ب.و.و. آمده است مثل پاسیون متی ب.و.و. ۲۴۴.